



به پیشواز شاخص‌ترین فیلم‌های سال تازه

روح‌کش‌ها و ابدی‌ها می‌تازند!

وصال روحانی
خبرنگار

در پیگیری سری مطالب معرفی بهترین آثار سال ۲۰۲۱ سینمای جهان در این شماره روزنامه هم به آثاری می‌پردازیم که زمان پخش‌شان چیزی بین ماه‌های «مه» (اردیبهشت) و نوامبر (آبان) است. آثار معرفی شده در قالب این مطالب شاید همگی برترین‌های مطلق سال ۱۴۰۰ نباشند اما مورد توجه‌ترین فیلم‌هایی هستند که احتمالاً گیشه‌ای پربرآثر از سایر آثار سینمایی دارند و توجه عمومی فزون‌تری را به خود جلب خواهند کرد.

«آخرین دوئل»



ظهور طوفانی و فوق‌العاده ریدلی اسکات در حرفه فیلمسازی در سال ۱۹۷۷ و با ساخت فیلم «دوئل‌کننده‌ها» و با ترسیم زندگی ماجراجویانه عده‌ای شوالیه متغیرالاحوال و جنگاوران منطقی با زیاده‌خواه صورت پذیرفت و ۴۴ سال بعد و پس از ساختن کلسیونی از فیلم‌های سایر ژانرها اسکات که می‌رود ۸۳ سال سن را هم رد کند، یک‌بار دیگر به اعصار پیشین و قرن چهاردهم رجعت کرده تا یک داستان تاریخی و البته آمیخته با خیال را برای سینمادوستان به تصویر بکشد. حضور

اسکات تنها دلخوشی طرفداران هنر هفتم برای رویکرد به این فیلم جدید نیست زیرا بن افلک و مت دیمنون نیز فرصتی یافته‌اند تا برای اولین‌بار از زمان ساخت «ویل هانتینگ خوب» (۱۹۹۷) در یک فیلم مشترک در کنار یکدیگر ظاهر شوند و هم در نوشتن سناریو سهیم باشند و هم در بازی در فیلم.

به این ترتیب «آخرین دوئل» فرصت تازه‌ای برای ورود مجدد اسکات و شرکایش به دنیا و زمانه‌ای است که همواره آن را قرون وسطی نامیده‌ایم و چه چیزی جالب‌تر از اینکه

«شاه ریچارد»

نام این فیلم نباید ناظران و افراد کم اطلاع را به این باور نادرست برساند که با اثری سینمایی پیرامون یکی از پادشاهان معروف تاریخ حیات بریتانیا طرف هستند و موضوع این فیلم و بریتانیا ریچارد» درباره خواهران ویلیامز آمریکایی (با نام‌های کوچک ونوس و سرهنا) است که بیست‌وپنج سالی است بر تنیس زنان جهان حکومت می‌کنند و در آستانه ۴۰ سالگی هم خیال رفتن از صحنه این ورزش را ندارند و با این که مشغولیت‌های پرشمار جنسی و هنری حضور آنان را در مسابقات این ورزش طی ۱۰ الی ۱۲ سال اخیر کمتر از گذشته کرده، همچنان می‌تازند و هرگاه به میدان می‌آیند، می‌توان حضور و استعدادشان را مجدداً حس و به وضوح مشاهده کرد.

«شاه ریچارد» به‌همان میزان که به سرهنا و ونوس ویلیامز می‌پردازد، نقش پدر آنها (به نام ریچارد ویلیامز) را عهده می‌سازد و با چنین نگرشی است که او را در عنوان این فیلم «شاه ریچارد» می‌نامند. ریچارد ویلیامز با بازی ویل اسمیت معروف نه تنها پدری دلسوز و جدی برای دو دختر قهرمانش بوده بلکه به سبب تخصص‌اش در تنیس عامل اصلی کشیده شدن آنها به این ورزش و تبدیل شدن‌شان به قهرمانانی بوده که سال‌هاست می‌بینیم و می‌شناسیم. اگر فرقی آشکار بین این فیلم و سایر آثار هنری مرتبط با خواهران ویلیامز وجود داشته باشد، پرداختن بیشتر به سهم پدر و تأکید بر تلاش‌های او به‌عنوان یک

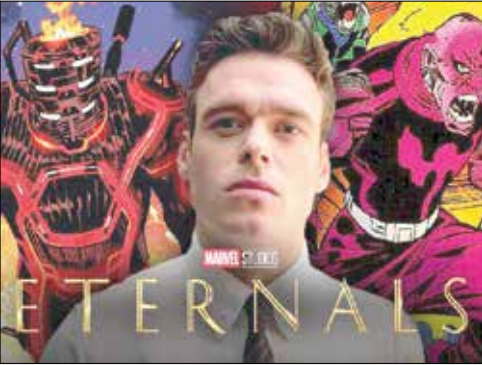
راهنما و مربی برای به بار نشستن زحمات و ثمر دادن تمرینات دخترانش در صحنه تنیس زنان بوده است. ریچارد ویلیامز و به روایتی «شاه ریچارد» در مقام مربی سرهنا و ونوس آنچنان در کارش به موفقیت رسیده که این دختران قهرمان مؤلفه‌های تازه‌ای را در تنیس باب کرده و در ۳۰ سال گذشته قواعد و اصول الزام‌های حاکم بر تنیس زنان را تا حد زیادی تغییر داده‌اند. فیلم‌های قبلی کوتاه و بلند ساخته شده درباره خواهران ویلیامز بیشتر متمرکز بر خود این تنیسورها بوده، اما «King Richard» این سنت را تغییر می‌دهد و نگاهی از نو و البته غنی‌تر به خانواده‌ای می‌اندازد که دو عضو قهرمان آن بیش از ۴۰ گردن‌اسلم تنیس زنان را برده‌اند و یکی از آنها (سرهنا) فقط یک

«Anters»



اسکات کوپر به ساخت فیلم‌های خوب و تأثیرگذار در ژانر درام مشهور و در این زمینه متخصص است اما او این‌بار با بسط دادن زمینه‌های این تخصص و با رفتن به سمت تہ خط حادثه‌سازی کاری

«ابدی‌ها»



سال‌ها بود که می‌خواستند نسخه‌ای سینمایی و بلند از روی داستان کمیک‌بوکی «ابدی‌ها» بسازند و اینک این اثر هنری متعلق به شرکت «مارول» براساس داستان‌های «جک کربی» خالق این سری قصه‌ها ساخته و ارائه شده است.

قصه «Eternals» پیرامون موجوداتی قوی از اعصار پیشین است که می‌کوشند با ایستادگی مقابل دشمنانی که ویرانگر و به‌لحاظ میزان توان با آنها برابر هستند، از نابودی کره زمین و افتادن آن در دامان بدخواهان جلوگیری کنند. موضوع وقتی جذاب‌تر می‌شود که متذکر شویم این بدخواهان فامیل‌های نزدیک همان موجودات درست کردار و موسوم به Deviants هستند و این بواقع ستیز موجوداتی است که از یک ریشه و تبار مشترک می‌آیند و منافع شخصی و طبایع فردی آنها را در مسیرهایی متفاوت قرار داده است. کارگردانی این فیلم با چلو ژائو چینی و نام‌آشنا است که فیلم اخیرش به نام «نومادلند» فتوحات فراوانی داشته است و هفته پیش جایزه اسکار بهترین فیلم سال را هم به دست آورد.

«ابدی‌ها» را باید نخستین مرتبه ورود چلو ژائو به وادی ساخت فیلم‌های پرهزینه و تا حدی اپیک و آثار موسوم به سیستم هالیوودی برای کارگردان زنی تلقی کرد که فیلم‌های قبلی‌اش همگی آثاری از رده «B» (درجه دوم) و با هزینه‌هایی بسیار کمتر بوده است و «نومادلند» هم چیزی از همین قبیل تلقی شده است. تفاوت این بار با قضایای قبلی و کارهای پیشین «چلو ژائو» حضور نامدارانی مثل سلما هایک، ریچارد مدن، جما چان و البته آنجلینا جولی در فیلم تازه اوست و با این که در «نومادلند» هم فرانسیس مک دورموند معتبر و دو اسکاری حضور داشت اما سایر عناصر آن فیلم با مشخصه‌های درشت‌تر «Eternals» برابری نمی‌کردند.

از منطری دیگر ریسکی که کمپانی مارول با ساخت این فیلم انجام داده، بیشتر از موارد قبلی است، زیرا برعزم اسامی و اوصافی که آمد، فیلم جدید انباشته از ستاره‌ها نیست و فیلم‌های کمیک استریپی در عین تکیه بر ادوات فنی چشمگیر و به تبع آن صحنه‌های جذاب و زیبا و بدیع، از حضور و وصف ستاره‌های نمایشی هم بهره بزرگی می‌گرفتند. کسانی که این ادعا را قبول ندارند، می‌گویند «ابدی‌ها» آن قدرها هم یک ریسک اقتصادی و بلوف حرفه‌ای نیست، زیرا دوگانه «محافظان کهکشان» هم که در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸ به نمایش درآمدند، به‌همین اندازه خالی از نام‌های بزرگ پرشمار بودند، اما فروش زیادی داشتند و ضروری که یک غول انتشاراتی و سینمایی است، از ارائه آنها هیچ ضرری نکرد.

«قاتلان روح: زندگی ثانوی»



دوگانه «قاتلان روح» ساخته ایوان ریتمن و محصول سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۹ به قدری موفق و پولساز بودند که وقتی جیسن ریتمن پسر ایوان ریتمن در سال ۲۰۱۶ به سراغ ساخت مجدد آنها و به قولی ارائه یک reboot رفت، باور عمومی این بود که وی مثل پدرش به هدف خواهد زد و جیب‌های سرمایه‌گذاران چنین فیلمی را پر پول خواهد کرد.

با این حال چنین نشد و نه پردازش فیلم قوتی را داشت که از جیسن ریتمن توقع می‌رفت و نه رویکرد این هنرمند جوان به یک جمع کاملاً زنانه برای ایفای رل‌های اصلی و فرورفتن در قالب درهم کوبندگان ارواح پریشان نظر هواداران این فرانچیز را جلب کرد که در دو فیلم اوری‌ژینال اولیه فقط یک زن را در جمع چهار هنرپیشه اصلی خود داشتند.

چنان اثر منفی و ناکامی گیشه‌ای سبب شد جیسن ریتمن با بشیمانی از رویکرد قبلی‌اش به سنن فیلم‌های اولیه رجعت کند و ادامه‌ای بر آنها بسازد و همان روح و نحوه نگرش پدرش را به این فیلم جدید بسط دهد. «قاتلان روح» جدید که نام کامل کننده آن «زندگی ثانوی» یا «زندگی در آن دنیا» است و محصول چنین روش و رویکردی به شمار می‌آید، حوادث خود را ۳۰ سال بعد از فیلم‌های اولیه و پیرامون خانواده‌ای به تصویر می‌کشد که به شهری کوچک در گوشه‌ای از آمریکا کوچ می‌کند و آنجا در کمال تعجب در می‌یابد که با قاتلان ارواح اولیه و گروهی که سه دهه قبل اشباح بد طبیعت را سرکوب می‌کردند، ارتباط خانوادگی و حس قربایت دارد و بواقع «هم‌تبار» بوده‌اند.

کری کان با سابقه درخشش در «باقی‌مانده‌ها»، فین وولفارد با پیشینه بازی در فیلم «چیزهای عجیب‌تر» و پل رود که با بازی در دوگانه کمیک استریپی «مرد مورچه‌ای» معروف‌تر شد، بازیگران تازه‌ای هستند که به جمع هنرپیشه‌های «Ghost busters» اضافه شده‌اند، اما جذابیت اصلی به سبب حضور مجدد هنرپیشه‌های محبوب دو فیلم اولیه در نسخه تازه است و آنها دن ایکروید، سیکورنی ویور، ارنی هادسون، آلن پاتس و البته بیل موری هستند؛ درست‌است که تاخت و تاز اصلی در این فیلم جدید بیشتر با تازه واردانی است که نام‌شان را آورده‌یم، اما مسن‌ترها و تفرات قبلی هم بیکار نمی‌شینند و کارها را آسان‌تر می‌سازند و خاطره‌سازی می‌کنند.

«چشم‌های مارگونه؛ ریشه‌های جی‌ای جو»



فیلم اوری ژینال و اولیه «GI Joe» بسیار موفق و پولساز بود اما آثار دنباله‌ای آن که شامل «پیاخیزی کوبرا» و «عکس‌العمل» می‌شدند، هیچ‌یک تأثیرگذاری آن فیلم را نداشتند و به همین سبب است که سازندگان «چشم‌های مارگونه» امیدوارند فیلم‌شان گیشه‌ای بهتر از آن آثار دنباله‌ای داشته باشد و فیلم نخست را احیا و شرایط را مانند آن زمان کند.

از آنجا که در فیلم اوری ژینال توضیحات صریح و روشنی درباره خاستگاه شخصیت‌های اصلی قصه و بویژه «جی‌ای جو» داده نشد، این احتمال و ظرفیت وجود دارد که هر چیز ابتکاری و تازه‌ای و هر رویداد جذابی به‌عنوان مقدمات و پایه‌های این فیلم و در توصیف کاراکترهای آن بیاید و همسو با آن آدم‌ها و موارد و رویدادهایی عرضه و تشریح شوند که با افسانه‌ها و توقعات موجود از جی‌ای جو منطبق باشند.

رابرت شئونتکه کارگردان این نسخه تازه و فیلمسازی که دو نسخه آخر «Divergent» را در رزومه کاری‌اش دارد، از صحبت درباره چند و چون فیلمش و آدم‌ها و اتفاقات آن پرهیز کرده اما این نکته مشخص است که بهره‌گیری از هنری گولدینگ بازیگر فیلم موفق و پولساز «آسیایی‌های احمق ثروتمند» برای ایفای نقش اصلی فیلم از نکات مهم و امتیازات عمده نسخه جدید است و حضور «ایکو اووایس» با سابقه بازی در فیلم «تهاجم» و سامارا ویوینگ با پیشینه حضور در «آماده یا نه» هم می‌تواند بر امتیازات فیلم بیفزاید.

در جوامع فیلمسازی همیشه راجع به اینکه ساخت قسمت‌های دنباله‌ای کاملاً وفادار به داستان فیلم اولیه اقدام سودمندانه‌تری است یا تولید فیلم‌هایی که دوری جستن از این سیاست ملغمه‌ای از کاراکترهای اصلی و شخصیت‌های جدید و متکی بر رویدادهایی تازه هستند و فقط الهام گرفته از فیلم اوری ژینال به شمار می‌آیند، بحث و جدل و اختلاف سلیقه وجود داشته است اما نمونه‌های دوم که آنها را spinoff یا آثار تبعی می‌نامند، معمولاً فروش زیادی داشته و اسباب پیشیمانی نشده‌اند و «جی‌ای جو» جدید نیز متاعی از همین قبیل به‌نظر می‌رسد.

«هالووین می‌کشد»



وقتی در سال ۲۰۱۸ بازسازی فیلم کلاسیک ترسناک «هالووین» و بواقع احیای این فرانچیز دیرپا سود مالی زیادی را موجب شد، بدیهی بود که کمپانی سازنده آن فیلم به فکر تولید آثار دنباله‌ای تازه‌ای بیفتد و «هالووین می‌کشد» محصول چنان رویکردی و اولین کار دنباله‌ای بر آن نسخه تازه تلقی می‌شود و اگر کرنا اجازه بدهد، دنباله دوم و بواقع قسمت سوم این تریلوژی تازه هم با نام «هالووین پایان می‌یابد» در سال ۲۰۲۲ به نمایش در خواهد آمد.

جیمی لی کورتیس بازیگر مشهور زن آمریکایی که بیش از ۳۰ سال پیش در فیلم اوری‌ژینال درخشید و با شهرت برخاسته از آن به نقش‌ها و مشاغل مهمتری دست یافت و در نسخه بازسازی شده سال ۲۰۱۸ با کارگردانی دیوید گوردون گرین هم چشم‌ها را خیره کرد، طبعاً در این‌کار دنباله‌ای جدید هم حاضر است و او را باز در قالب لوری استرود مشاهده می‌کنیم.

جودی گری نقش دختر او را بازی می‌کند و اندی ماتیکچاک نوه دختری اوست و نیک کاسل، جیمز جود کورتنی، کایل ریچاردز و چارلز سیفرز سایر نقش‌های اصلی را ایفا و بواقع نقش‌های قبلی خود در این فرانچیز دیرپا را تکرار می‌کنند. البته با توجه به اینکه نسخه اولیه «Halloween» در سال ۱۹۷۸ عرضه شد و تامی دوپل برای تکرار نقش خود در آن فیلم آمادگی لازم را نداشت، آنتونی مایکل هال جانشین او شده است.

از موضوع و چند و چون اتفاقات این نسخه تازه اطلاعات دقیقی در دست نیست ولی شکی نیست که لوری استرود به لطف توان پایان‌ناپذیر جیمی لی کورتیس مصاف سنگین تازه‌ای با کاراکتر محوله به مایکل مایرز خواهد داشت که در تمامی این سال‌های طولانی عامل اصلی آشوب‌ها و مجری قتل و جنایت‌های بیشمار در سلسله فیلم‌های «هالووین» بوده است.